

بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی در بورس اوراق بهادار تهران

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۱۴

■ رضا غلامی^۱

■ محسن پرسال^۲

چکیده:

هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود است. دوره پژوهش از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ و نمونه آماری متشکل از ۱۲۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بدین منظور، تأثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود، سنجیده شد. کیفیت حسابرسی از طریق سه مؤلفه اندازه مؤسسه حسابرسی، دوره تصدی حسابرس و اظهارنظر حسابرس اندازه گیری شد. نتایج نشان می دهد که اندازه مؤسسه حسابرسی و اظهارنظر حسابرس، به طور معناداری رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود را تضعیف می کند؛ اما دوره تصدی حسابرس تأثیر معناداری بر این رابطه ندارد. به عبارتی، کیفیت حسابرسی از دو جنبه اندازه مؤسسه حسابرسی و اظهارنظر حسابرس رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود را تضعیف می کند. همچنین، نتایج تکمیلی پژوهش، حاکی از آن است که بین شکاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام به عنوان شاخصی از عدم تقارن اطلاعاتی با مدیریت سود، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. بررسی ها نشان داد که اندازه مؤسسه حسابرسی و اظهارنظر حسابرس، ارتباط منفی و معناداری با مدیریت سود دارند، اما دوره تصدی حسابرسی، ارتباط مثبت و معناداری با مدیریت سود دارد.

واژه های کلیدی: شکاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، کیفیت حسابرسی، عدم تقارن اطلاعاتی، مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی.

۱. استادیار گروه حسابداری دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، نویسنده مسئول، ایمیل: rgholami@vru.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

مقدمه

وجود اطلاعات مالی شفاف و قابل اتکا که محصول یک سیستم گزارشگری جامع و مناسب می‌باشد، از ارکان ارزیابی وضعیت و عملکرد یک شرکت و تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری در شرکت به حساب می‌آید. در هر رویداد اقتصادی، سرمایه‌گذاران برای تصمیم‌گیری، نیازمند اطلاعات قابل اتکا هستند. تدوین‌کنندگان اصول و ضوابط حسابداری و وضع‌کنندگان مقررات بازار سرمایه به‌طور معمول به منظور حمایت از منافع سرمایه‌گذاران، شرکت‌ها را موظف به افشای صادقانه اطلاعات می‌کنند. انتشار به موقع و صادقانه گزارش‌های مالی یک عامل کلیدی برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و بهبود عملکرد بازار سرمایه است (مقدم و همکاران، ۱۳۹۴).

عدم تقارن اطلاعاتی، پدیده‌ای منفی است که تصمیم‌گیری‌های نامناسب اقتصادی توسط سرمایه‌گذاران را به دنبال دارد و ناشی از اختلاف زمانی در دریافت اطلاعات میان گروه‌های مختلف از جمله گروه‌های درون‌سازمانی و برون‌سازمانی و خود سرمایه‌گذاران است (فرانکل و لی، ۲۰۰۴). در واقع، این پدیده یک فرصت طلایی برای مدیریت به منظور برنامه‌ریزی امور در جهت اهداف شخصی یا گروهی خاص از سهامداران ایجاد می‌کند؛ از جمله این اهداف می‌توان افزایش سود دوره به منظور افزایش پاداش مدیریت، انتقال سود سال‌های آتی به سال جاری یا بالعکس و ... اشاره نمود. در چنین شرایطی مدیریت واحد تجاری، خواسته یا ناخواسته ممکن است با دستکاری سود، وضعیت شرکت را مطلوب جلوه دهد. تحت چنین شرایطی سود واقعی با سود گزارش شده در صورت‌های مالی، مغایرت داشته و رویدادی تحت عنوان مدیریت سود، رخ می‌دهد (کلارکسون و همکاران، ۲۰۰۷؛ نمازی و کرمانی، ۱۳۸۷؛ حیدری و همکاران، ۱۳۹۶).

مدیریت سود یکی از ابعاد مهم کیفیت گزارشگری مالی و موضوع اصلی در میان تمامی سهامداران شرکت است. از آنجا که میزان سود یکی از معیارهای مهم ارزیابی عملکرد محسوب می‌شود، بنابراین هر گونه دخالتی که سبب شود صحت گزارش‌ها خدشه‌دار گردد، می‌تواند بر نحوه تصمیم‌گیری کاربران گزارش‌های مالی تأثیرگذار باشد (زنگین و اوزکان، ۲۰۱۰؛ احمدپور و همکاران، ۱۳۹۲). همین امر سبب می‌شود که حسابرسی به عنوان مکانیزم نظارتی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵). در این راستا و به منظور کنترل و نظارت بر نماینده از طرف مالکان، اقدامات متعددی می‌تواند صورت گیرد که از جمله مهم‌ترین این اقدامات، گماردن حسابرسان به منظور حسابرسی واحد و تأیید ادعاهای مطرح شده از طرف نماینده مالکان در صورت‌های مالی می‌باشد (مرادزاده‌فرد و همکاران، ۱۳۸۸).

انجام حسابرسی به عنوان یک فعالیت نظارتی و نیز به عنوان یکی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی برای جلب و حفظ اعتماد سرمایه‌گذاران به وجود تقارن اطلاعاتی، منصفانه بودن بازار و نیز منصفانه بودن اطلاعات در دسترس، ضروری است. با توجه به موارد پیش‌گفته، مشخص می‌شود که حسابرسی با کیفیت بالا توانایی بازار را برای ثبت به موقع اطلاعات، بهبود می‌بخشد. در نتیجه انتظار می‌رود در جایی که حتی فرصت کمی برای مدیریت سود وجود دارد، کیفیت حسابرسی بالا رود (اگی‌منسا و همکاران، ۲۰۱۹). کیفیت بالای حسابرسی به عنوان یک عامل

بازدارنده مدیریت در اعمال مدیریت سود و محرکی به منظور ارائه صحیح اطلاعات و کاهنده شکاف اطلاعاتی بین مدیریت و سهامداران و سایر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی است. به طور کلی، انتظار بر این است که در شرکت‌هایی که عدم تقارن اطلاعاتی بالا است، مدیریت انگیزه بیشتری برای دستکاری سود و مطلوب جلوه دادن آن داشته باشد و کیفیت بالای حسابرسی که خود متأثر از عوامل گسترده‌ای اعم از توانایی‌های حسابرسی (شامل دانش، تجربه، قدرت تطبیق و کارایی فنی)، اجرای حرفه‌ای (شامل استقلال، عینیت، مرقبت حرفه‌ای، تضاد منافع و قضاوت) است (مجتهدزاده و آقایی ۱۳۸۳) می‌تواند رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود را تضعیف کند (آگی منسا و همکاران، ۲۰۱۹؛ حیدری و همکاران، ۱۳۹۶). در این راستا پژوهش‌های زیادی در مورد ارتباط بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود و همچنین تأثیر کیفیت حسابرسی در محدود نمودن مدیریت سود در بازار سرمایه ایران انجام شده است. اما تا کنون هیچ پژوهشی در ارتباط با نحوه تأثیر کیفیت حسابرسی به عنوان یک متغیر تعدیلگر بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود در بورس اوراق بهادار تهران، انجام نشده است. از این رو، پژوهش بیشتر درباره نحوه تأثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود، ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین، دستاورد و نوآوری پژوهش حاضر، افزایش دانش مخاطبین در زمینه تأثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود، همراه با یافته‌های تجربی و مستند از موضوع، در بازار سرمایه ایران خواهد بود. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند نقش کیفیت حسابرسی شرکت‌ها را در فرآیند محدود نمودن مدیریت سود ناشی از وجود عدم تقارن اطلاعاتی به خوبی روشن سازد. لذا در پژوهش حاضر، از سنجش‌های مشاهده‌پذیر، نظیر اندازه مؤسسه حسابرسی، دوره تصدی حسابرس و نوع اظهارنظر حسابرس، برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی استفاده شده و سپس تأثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود در قالب فرضیه اصلی پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. به طور کلی، هدف از این پژوهش، پاسخگویی به این سؤال‌ها است که ۱. آیا کیفیت حسابرسی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود، مؤثر است؟ و ۲. آیا کیفیت حسابرسی رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود را تضعیف یا تقویت می‌کند؟

در ادامه نیز در بخش مبانی نظری ابتدا، در مورد عدم تقارن اطلاعات، مدیریت سود، کیفیت حسابرسی و اجزای آن و نحوه ارتباط این متغیرها بحث می‌گردد. سپس، پیشینه‌ای از پژوهش ارائه می‌گردد. در ادامه، روش و الگوهای پژوهش تشریح شده و یافته‌های تجربی آزمون فرضیه‌ها، مطرح می‌گردد. در نهایت، با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌ها، بحث و نتیجه‌گیری، پیشنهادها و محدودیت‌های مطالعه، ارائه خواهد شد.

مبانی نظری پژوهش

عدم تقارن اطلاعات و مدیریت سود

عدم تقارن اطلاعاتی، یکی از مشکلات مهم تئوری نمایندگی است که در محیط غیرشفاف

به وجود می‌آید. در واقع عدم تقارن اطلاعاتی در معاملاتی مطرح است که در آن یک طرف معامله اطلاعات بیشتری یا بهتری از طرف دیگر دارد (لئو، ۲۰۱۹). این مشکل در نبود اطلاعات کامل و شفاف، ظاهر شده و وضعیتی را ایجاد می‌کند که در آن دو طرف معامله از همه حالت‌های ممکن بی‌اطلاع‌اند و نمی‌توانند همه نتایج قطعی و مطمئن را مورد توجه قرار دهند (برق و همکاران، ۲۰۱۹). در یک سیستم اقتصادی که از دیدگاه اطلاعات نامتقارن است، به‌طور عمده دو نوع عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد که عبارتند از خطر کزگزینی (انتخاب نادرست^۱) و خطر کز اخلاقی (خطر اخلاقی^۲). در بدترین حالت، امکان دارد یک بازار در نتیجه نامتقارن بودن اطلاعات، به طور کامل متلاشی شود. لذا در شرایط حاضر اقتصاد ایران، لزوم اطلاع‌رسانی صحیح در بازارهای مختلف به شدت احساس می‌شود (ترحمی، ۱۳۹۲).

نبود تقارن اطلاعاتی به بیانی ساده، حاکی از آن است که همگان به طور یکسان به اطلاعات دسترسی ندارند و مدیریت، بنا به موقعیت خود دارای اطلاعات بیشتری نسبت به دیگران است. این مزیت اطلاعاتی موجب می‌شود در مواقعی که واحدهای تجاری به لحاظ اقتصادی دچار نوسان می‌شوند و تحت فشارهای جانبی قرار می‌گیرند، مدیران برای سامان بخشیدن به اوضاع شرکت به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم تلاش کنند تا رقم سود منعکس شده در صورت‌های مالی را تحت تأثیر قرار دهند و موجب مثبت شدن نگاه استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی و به‌ویژه سرمایه‌گذاران شوند. مجموعه این اقدام‌ها به مدیریت سود، تعبیر می‌شود (برق و همکاران، ۲۰۱۹، آگی‌منسا و همکاران، ۲۰۱۹؛ لئو، ۲۰۱۹). نوعی اقدام آگاهانه با هدف طبیعی نشان دادن سود شرکت در یک سطح مطلوب و موردنظر می‌باشد و زمانی رخ می‌دهد که مدیران با استفاده از قضاوت در گزارشگری مالی و ساختار مبادلات جهت گمراه نمودن بعضی از ذینفعان درباره عملکرد اقتصادی شرکت یا تحت تأثیر قرار دادن نتایج قراردادی که به ارقام حسابداری گزارش شده وابسته است، در گزارشگری مالی تغییر ایجاد کنند (جونز و شارما، ۲۰۰۱؛ راحله و حمزه، ۲۰۱۹).

بنابراین، با مرور مبانی نظری پژوهش از جمله دی‌آنجلو (۱۹۸۱)، دیفوند و ژانگ (۲۰۱۴)، برق و همکاران (۲۰۱۹) و راحله و حمزه (۲۰۱۹) مشخص می‌گردد که وجود عدم تقارن و ایجاد یک مزیت اطلاعاتی که کفه ترازوی اطلاعاتی را به سمت مدیریت سنگین‌تر می‌کند، دست مدیریت برای استفاده از روش‌های متنوع دستکاری سود از جمله مدیریت واقعی سود، مدیریت ارقام تعددی و مدیریت ارائه اطلاعات باز می‌گذارد. به عبارتی دیگر، مرور ادبیات حاکی از ارتباط مثبت و معنادار عدم تقارن اطلاعات و مدیریت سود می‌باشد. در این راستا و پس از مشخص شدن چنین ارتباطی مجدداً مرور مبانی نظری پژوهش همچون نخیلی و همکاران (۲۰۱۶) و آگی‌منسا (۲۰۱۹) نشان می‌دهد که روش‌هایی برای کنترل ارتباط عدم تقارن اطلاعات و مدیریت سود وجود دارد. از بین روش‌های موجود، در پژوهش حاضر کیفیت حسابداری به عنوان عامل

1. Adverse Selection

2. Moral Hazard

تأثیرگذار بر ارتباط بین عدم تقارن اطلاعات و مدیریت سود برگزیده شده است که در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته خواهد شد.

کیفیت حسابرسی، عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود

از بین روش‌های مؤثر بر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود، کیفیت حسابرسی، مفهومی چندوجهی دارد که می‌توان آن را از دیدگاه‌های مختلف، مورد بررسی قرار داد. از کیفیت حسابرسی تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است. در ادبیات حرفه‌ای، کیفیت حسابرسی در رابطه با میزان رعایت استانداردهای حسابرسی مربوطه تعریف می‌شود (آگی منسا و همکاران، ۲۰۱۹). ارزش حسابرسی با کیفیت در این است که حساب‌رسان مستقل، محدودیت‌های اساسی را بر سر راه انجام رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران و آزادی عمل در فرآیند گزارشگری مالی ایجاد کرده و باعث کاهش ریسک اطلاعاتی شوند (چن و همکاران، ۲۰۱۱). در ادبیات پژوهشی مرتبط با کیفیت حسابرسی، این موضوع مطرح است که افزایش کیفیت حسابرسی سبب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردد و این خود، کنترل مدیریت سود را آسان‌تر می‌نماید (آگی منسا و همکاران، ۲۰۱۹).

حسابرسی، عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و گروه‌های ذینفع شرکت را از طریق اجازه کنترل صحت صورت‌های مالی با استفاده‌کنندگان بیرونی اطلاعات کاهش می‌دهد (بکر و همکاران، ۱۹۹۸). از طرفی، عدم تقارن اطلاعات عامل اصلی در هدایت مدیران به سمت مدیریت سود است. به عبارتی در شرکت‌هایی که عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد، مدیران گرایش بیشتری به سمت مدیریت سود، پیدا می‌کنند. همانطور که در بخش پیشین ذکر گردید، وجود عدم تقارن اطلاعاتی، مدیریت سود را افزایش می‌دهد و با توجه به این مهم که کیفیت حسابرسی می‌تواند عدم تقارن اطلاعات و مدیریت سود را کاهش دهد (دی‌آنجلو، ۱۹۸۱؛ سیتانگان و همکاران، ۲۰۱۹؛ حیدری و همکاران، ۱۳۹۶)، انتظار بر این است که کیفیت حسابرسی به عنوان موزابیک مهمی از حاکمیت شرکتی قوی از طریق نظارت مستمر و مستقل، ارتباط بین عدم تقارن اطلاعات و مدیریت سود را تعدیل نماید.

مادامی که کیفیت حسابرسی بالا باشد، کیفیت افشا افزایش و اطلاعات نهان کمتر می‌شود. وارد نمودن اطلاعات نهان به محدوده اطلاعات عمومی از طریق حسابرسی باکیفیت، عدم تقارن اطلاعاتی را با شدت بیشتری کاهش می‌دهد و مدیریت را در دستکاری سود محدود می‌کند (آگی منسا و همکاران، ۲۰۱۹). چندین دلیل برای این موضوع مطرح است: اول این‌که کیفیت حسابرسی بالاتر سبب بهبود کیفیت افشا شده و افشای با کیفیت با افزایش دامنه اطلاعات عمومی سرمایه‌گذاران و وارد نمودن اطلاعات خصوصی به محدوده اطلاعات عمومی، سبب کاهش عدم توازن اطلاعاتی میان معامله‌گران می‌شود. دوم، افشای اطلاعات عمومی سبب باورهای مشابه در بین معامله‌گران شده و احتکار اطلاعاتی معامله‌گران مطلع را کاهش می‌دهد. همچنین، بهبود کیفیت افشای اطلاعات، انگیزه سرمایه‌گذاران برای جستجوی اطلاعات خصوصی را با کاهش

منافع مورد انتظار حاصل از این اطلاعات، کاهش می‌دهد. از آنجا که کیفیت حسابداری یکی از اجزای اطلاعات افشا شده است، هر چه کیفیت حسابداری بالاتر باشد، عدم تقارن اطلاعاتی نیز کاهش می‌یابد (کلینچ و همکاران، ۲۰۱۲؛ حیدری و همکاران، ۱۳۹۶). به طور کلی مشخص گردید که کیفیت حسابداری می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود را کاهش دهد. بنابراین، انتظار می‌رود که کیفیت حسابداری نیز بتواند هم‌زمان رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود را تضعیف کند.

در ادامه نیز به نحوه بررسی اجزای کیفیت حسابداری بر عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود پرداخته شده است.

اجزای کیفیت حسابداری

در تحقیقات متعدد، چندین شاخص برای کیفیت حسابداری، تعیین شده است. در ادامه به برخی از آن‌ها که در پژوهش حاضر استفاده شده‌اند، اشاره می‌گردد.

اندازه مؤسسه حسابداری: دی‌فوند و همکاران (۲۰۰۰) معتقدند شرکت‌هایی که توسط حسابرسان مستقل و بزرگتری حسابداری می‌شوند، اطلاعات معتبرتر و با کیفیت‌تری افشا می‌کنند که سبب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود. همچنین آنان بیان می‌کنند کاهش عدم تقارن اطلاعاتی سبب کاهش سطح ریسک در محیط اطلاعاتی شرکت می‌شود. از دیدگاه حسابرسان، اندازه مؤسسه حسابداری یکی از ویژگی‌هایی است که بر کیفیت حسابداری، اثر دارد. دی‌آنجلو (۱۹۸۱) معتقد است که مؤسسات حسابداری بزرگ‌تر، به دلیل حفظ شهرت خود و با توجه به کثرت مشتریانشان، نگران از دست دادن مشتریان خود نیستند، در نتیجه، خدمات حسابداری با کیفیت بالاتری ارائه می‌نمایند. تصور بر این است که چنین مؤسساتی به دلیل دسترسی به منابع و امکانات بیشتر برای آموزش حسابرسان خود و انجام آزمون‌های مختلف، خدمات حسابداری را با کیفیت بالاتری ارائه کنند. در تحقیقات داخل کشور، سازمان حسابداری که یک مؤسسه دولتی می‌باشد به عنوان یک مؤسسه بزرگ در نظر گرفته شده است و با مؤسسات عضو جامعه حسابداران رسمی، مورد مقایسه قرار گرفته است (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۱).

دوره تصدی حسابرسان: از جمله عوامل تأثیرگذار بر کیفیت حسابداری می‌توان به دوره تصدی حسابرس و سنواتی متوالی که مؤسسه حسابداری یک صاحبکار را مورد بررسی و رسیدگی قرار می‌دهد، اشاره نمود. در پژوهش‌های پیشین، نحوه تأثیرگذاری طول دوره تصدی حسابداری بر کیفیت حسابداری با نتایج متضاد و در قالب دو فرضیه (استقلال حسابرس) و (تخصص حسابرس) ارائه شده است (ون کنگهم، ۲۰۰۴). فرضیه تخصص حسابرس بر این باور است که با افزایش طول دوره تصدی حسابداری، کیفیت حسابداری افزایش یافته و همین امر سبب کاهش عدم اطمینان اطلاعاتی می‌گردد. انجام عملیات حسابداری صاحبکار توسط یک مؤسسه حسابداری طی سنوات متممادی، به دلیل آشنایی تیم حسابداری با عملیات حسابداری صاحبکار، می‌تواند مؤثرتر صورت گیرد. چنانچه مؤسسه حسابداری تجربه انجام حسابداری مؤسسه صاحبکار برای چندین سال

را داشته باشد، علاوه بر اینکه اعضای تیم حسابداری، شناخت بیشتری نسبت به کار صاحب کار خواهند داشت، موجب تسریع در انجام عملیات حسابداری، کاهش هزینه‌های حسابداری و افزایش کیفیت حسابداری می‌گردد (مایرز و همکاران، ۲۰۰۳). همچنین فرضیه استقلال حسابرسان به این مهم اشاره دارد که با افزایش دوره تصدی حسابرسان، استقلال حسابرسان زیر سؤال می‌رود و خدشه‌دار شدن استقلال وی باعث کاهش کیفیت حسابداری شده و در نتیجه آن، سبب افزایش عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردد.

نوع اظهار نظر حسابرسان: نتیجه کار حسابداری در قالب گزارشی که حسابرسان، اظهار نظر خود (مقبول، مشروط، مردود و عدم اظهار نظر) را نسبت به صورت‌های مالی صاحبکار بیان می‌کنند، ارائه می‌شود. این گزارش بعضاً شامل اطلاعات مالی و غیرمالی می‌باشد که مدیریت به دلایل مختلف از ارائه آن‌ها خودداری نموده است. از این رو گزارش حسابداری همواره بخشی از اطلاعات محرمانه شرکت را منعکس نموده و دارای بار اطلاعاتی خواهد بود. محتوای اطلاعاتی این گزارش، عدم تقارن اطلاعاتی موجود بین مدیران، سهامداران و استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی را کاهش می‌دهد (مینگ، ۲۰۰۷).

پیشینه تجربی پژوهش

در رابطه با موضوع اصلی پژوهش، مطالعات چندانی صورت نگرفته است. بنابراین، در ادامه به برخی از پژوهش‌هایی که تا حدی با موضوع پژوهش حاضر ارتباط دارند، اشاره می‌شود. ریچاردسون (۲۰۰۰) در پژوهشی با استفاده از روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی به بررسی تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر مدیریت سود طی سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۴ پرداخت. شواهد تجربی حاصل از این پژوهش، حاکی از آن است که هر چه عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و سهامداران بیشتر باشد، احتمال مدیریت ارقام تعهدی بیشتر است. او مدعی شد که میزان عدم تقارن اطلاعاتی که از طریق دامنه خرید و فروش و پراکندگی پیش‌بینی‌های تحلیل‌گران اندازه‌گیری شده، با میزان مدیریت سود رابطه مثبت دارد. در همین راستا، چنگ (۲۰۰۶) روش‌شناسی تحقیق ریچاردسون را در کشور تایوان بکار گرفت. هدف از تحقیق وی بررسی رابطه مثبت بین سطح عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود در محیطی متفاوت بود. در ضمن او علاقه‌مند به درک تفاوت فرهنگی و دنیای کسب و کار بین شرق و غرب بود. وی ضمن تأیید رابطه مثبت بین دو متغیر مذکور، نتیجه‌گیری نمود که ارتباط بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود ممکن است در کشورهای متفاوت با قوانین مختلف در مورد حقوق سهامداران، متفاوت باشد.

تندلو و وانسترلین (۲۰۰۸) نیز در پژوهشی تحت عنوان "مدیریت سود و کیفیت حسابداری در اروپا: شرکت‌های بخش خصوصی"، با در نظر گرفتن ۴ شرکت بزرگ حسابداری به عنوان حسابرسان با کیفیت و بررسی مدیریت سود در شرکت‌های حسابداری شده توسط این ۴ شرکت طی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲ و مقایسه با مدیریت سود صورت گرفته در شرکت‌هایی که توسط

مؤسساتی غیر از ۴ شرکت بزرگ حسابرسی شده‌اند، به این نتیجه رسیدند که بین مدیریت سود و کیفیت حسابرسی، ارتباط معنی‌داری وجود داشته و کیفیت بالای حسابرسی در شرکت‌هایی که دارای قوانین مالیاتی مشابه هستند، باعث کاهش در مدیریت سود می‌شود.

کنگ و همکاران (۲۰۰۹) نیز در تحقیق خود با عنوان "محیط اطلاعاتی شرکت و مدیریت سود" به صورت تجربی و با استفاده از روش رگرسیون به بررسی تأثیر میزان عدم تقارن اطلاعاتی، پوشش اخبار تجاری و پوشش تحلیل‌گران بر مدیریت سود پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها بیان‌گر این مطلب بود که میزان مدیریت سود، رابطه مثبت و معناداری با سطح عدم تقارن اطلاعاتی دارد. اما نتایج پژوهش واسان و بون (۲۰۱۰) که به بررسی رابطه بین اقلام تعهدی اختیاری و عدم تقارن اطلاعاتی با روش رگرسیونی طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۲ در بورس اوراق بهادار نیویورک پرداخته‌اند، نشان می‌دهد که میان دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام به عنوان معیار عدم تقارن اطلاعاتی و اقلام تعهدی اختیاری، رابطه معنی‌داری وجود نداشته است.

کلینچ و همکاران (۲۰۱۲) رابطه بین کیفیت حسابرسی و عدم تقارن اطلاعاتی را بین معامله‌گران آگاه و ناآگاه در ۴۰۶۲ سال - شرکت طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ در بورس اوراق بهادار آمریکا بررسی نمودند. نتایج رگرسیون تحقیق نشان داد کیفیت بیشتر حسابرسی (انتخاب حسابرسان بزرگ و متخصص در صنعت) منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود.

دای و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی این موضوع را بررسی نمودند که چگونه عدم تقارن اطلاعاتی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار چین طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ تأثیر می‌گذارند. یافته‌های حاصل از روش رگرسیون نشان می‌دهد که کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، رفتار مدیریت سود شرکت‌ها را بهبود می‌بخشد و صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک کیفیت سود را با توجه به نقش نظارتی خود، ترفیع می‌دهند. علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهد که تقسیم‌بندی شرکت‌ها به گروه‌هایی با عدم تقارن اطلاعاتی بالا و پایین، تأثیر نقش نظارتی صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک بر مدیریت سود شرکت‌ها را افزایش می‌دهد.

کورمیر و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی رابطه بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی در ۱۳۷ شرکت غیر مالی در بورس اوراق بهادار تورنتو طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ پرداختند. نتایج حاصل از رگرسیون حداقل مربعات معمولی نشان داد که در یک محیط پیچیده و پویا، بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی با توجه به دو متغیر نوسانات قیمت سهام و تفاضل قیمت پیشنهادی خرید و فروش در شرکت‌هایی که با تنوع در عملیات و پراکندگی جغرافیایی همراه بوده و شرکت‌هایی که در امر تحقیق و توسعه، سرمایه‌گذاری نموده و آن دسته از شرکت‌ها که با نوسانات بالای ضریب فروش همراه هستند، رابطه مثبت و وضعیفی وجود دارد.

در ایران، آقای و ناظمی اردکانی (۱۳۹۱) به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این پژوهش برای برآورد اقلام تعهد حسابداری غیر عادی از مدل تعدیل‌شده جونز استفاده شده است. نتایج حاصل

از بررسی رگرسیون نشان می‌دهد شرکت‌هایی که حسابرس آن‌ها متخصص صنعت است، دارای سطح مدیریت ارقام تعهدی اختیاری پایین‌تر می‌باشند.

احمدپور و همکاران (۱۳۹۲) رابطه میان عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت واقعی سود از طریق دستکاری فعالیت‌های واقعی را با استفاده از مدل رگرسیون خطی چند متغیره مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد که بین عدم تقارن اطلاعاتی با جریان نقدی غیرعادی و تولید غیرعادی، رابطه مستقیم وجود دارد؛ اما بین عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های اختیاری غیرعادی، رابطه معنی‌داری مشاهده نشد.

باباجانی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی یکی از پیش‌شرط‌های اصلی مدیریت سود یعنی عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران با استفاده از مدل تعدیل شده جونز که در پژوهش کوتاری و همکاران (۲۰۰۴) ارائه شده پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد شاخص عدم تقارن اطلاعاتی که ترکیبی از پنج سنجه انتخابی (حجم معاملات، نوسان قیمت سهام، نسبت قیمت به سود، تعداد روزهای معاملاتی و عمر شرکت) است، بر میزان مدیریت سود، تأثیری مثبت و معنادار دارد.

ثقفی و همکاران (۱۳۹۳) رابطه بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی در شرایط نااطمینانی محیطی را با استفاده از الگوی رگرسیونی چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی، بررسی نمودند. آن‌ها به به منظور کمی‌سازی مدیریت سود از مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) و برای عدم تقارن اطلاعاتی از انحراف معیار قیمت سهام و اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام استفاده نموده‌اند. یافته‌های تجربی پژوهش، حاکی از آن است که متغیرهای مدیریت سود و نااطمینانی محیطی با عدم تقارن اطلاعاتی یک رابطه معنادار داشته و منجر به افزایش آن می‌شوند. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نااطمینانی محیطی منجر به تضعیف رابطه بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود.

فخاری و محمدی (۱۳۹۵) در پژوهشی با استفاده از روش تحقیق توصیفی رگرسیونی به بررسی اثر ویژگی‌های کمیته حسابداری بر مدیریت سود از طریق ارقام واقعی پرداختند. نتایج پژوهش، حاکی از آن است که رابطه معنی‌داری بین ویژگی‌های کمیته حسابداری و مدیریت سود از طریق ارقام واقعی وجود دارد. این یافته‌ها می‌تواند برای خط‌مشی‌گذاران بورس از جهت تدوین و الزام به رعایت منشور کمیته حسابداری مفید بوده و ضرورت بکارگیری اصول حاکمیت شرکتی و تهیه داوطلبانه گزارش حاکمیت شرکتی را به همراه داشته باشد.

آقایی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر پیچیدگی و پویایی محیطی بر رابطه مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آن‌ها برای این منظور از الگوی سیستم معادلات همزمان با استفاده از روش تخمین معادلات رگرسیونی به ظاهر نامرتب در داده‌های تابلویی استفاده نمودند. نتایج بررسی نشان می‌دهد که بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی، رابطه مثبت وجود دارد و این رابطه برای شرکت‌هایی که عملیات تجاری آن‌ها با نوسانات بالای قیمت فروش (پویایی) مواجه بوده، تضعیف

شده است.

علی‌پور و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره و مدل‌های اقتصادسنجی به بررسی ارتباط بین دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد و اثر شاخص‌های کیفیت حسابرسی بر این دو متغیر پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که بین دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج حاکی از آن بود که هر چند دوره تصدی بالای حسابرس باعث افزایش شناخت و تجارب حسابرس می‌شود، ولی به دلیل خدشه‌دار شدن استقلال حسابرس بر اثر روابط طولانی با صاحبکار، انگیزه‌های فرصت‌طلبانه مدیران را برای سرمایه‌گذاری بیش از حد ناشی از مدیریت سود، بیشتر می‌کند. دیگر یافته‌های پژوهش، حاکی از این است که اندازه بزرگ مؤسسه حسابرسی باعث کاهش ارتباط میان دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد می‌شود.

ستایش و صیادی (۱۳۹۶) در پژوهشی با استفاده از تحلیل رگرسیون با داده‌های ترکیبی به بررسی رابطه بین جریان‌های نقد آزاد مازاد و مدیریت سود با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی کیفیت حسابرسی (شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران) پرداختند. یافته‌های پژوهش، حاکی از آن است که استفاده از مؤسسه حسابرسی با کیفیت بالا و با شهرت و تغییر حسابرس، تعارض مربوط به هزینه نمایندگی ناشی از جریان‌های نقد آزاد مازاد را کاهش می‌دهد و به عبارتی باعث کاهش مدیریت سود ناشی از جریان‌های نقد آزاد مازاد با شدت بیشتر می‌شود که در نتیجه افزایش کارایی تصمیم‌های سرمایه‌گذاری شرکت را به دنبال دارد.

به طور کلی، بررسی پیشینه پژوهش، حاکی از آن است که عدم تقارن اطلاعات عامل اصلی در هدایت مدیران به سمت مدیریت سود است. به عبارتی در شرکت‌هایی که عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد، مدیران گرایش بیشتری به سمت مدیریت سود، پیدا می‌کنند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۶). بنابراین، حاکمیت شرکتی قوی و نظارت مستمر و مستقل می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی و به سبب آن مدیریت سود را نیز کاهش دهد. بنابراین و بر مبنای پیشینه‌های نظری و تجربی ارائه شده و به‌منظور دستیابی به اهداف پژوهش فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین شده است:

فرضیه اصلی) کیفیت حسابرسی رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود را به طور معناداری تضعیف می‌کند.

فرضیه فرعی ۱) اندازه مؤسسه حسابرسی رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود را به طور معناداری تضعیف می‌کند.

فرضیه فرعی ۲) دوره تصدی حسابرس رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود را به طور معناداری تضعیف می‌کند.

فرضیه فرعی ۳) نوع اظهارنظر حسابرس رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود را به طور معناداری تضعیف می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر طبقه‌بندی بر مبنای هدف، از نوع کاربردی است و از نظر ماهیت و روش از نوع توصیفی-همبستگی است. در پژوهش حاضر ابتدا از روش کتابخانه‌ای برای مطالعه مبانی نظری و بررسی پیشینه تحقیق استفاده گردید. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از روش تخمین رگرسیون به کار گرفته شد. داده‌های پژوهش حاضر از طریق نرم‌افزارهای ره‌آورد نوین، تدبیرپرداز و سایت بورس اوراق بهادار گردآوری و از طریق نرم‌افزار اکسل نسخه ۲۰۱۶ آماده تجزیه و تحلیل شد. قلمرو زمانی تحقیق از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۶ در نظر گرفته شده است. قلمرو مکانی تحقیق نیز بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. به‌منظور دستیابی به نمونه‌ای همگن و یکنواخت، شرکت‌هایی که دارای ویژگی‌های زیر باشند به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند:

۱. از ابتدای سال ۱۳۹۰ تا پایان سال ۱۳۹۶، سهام آن‌ها در بورس اوراق بهادار تهران به‌صورت فعال معامله شده باشد و در طی این دوره زمانی، توقف عمده (بیش از شش ماه) نداشته باشند.
 ۲. به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
 ۳. اطلاعات حسابداری شرکت‌ها که برگرفته از صورت‌های مالی آن‌ها است، برای دوره فوق موجود باشد.
 ۴. به دلیل متفاوت بودن ماهیت اقتصادی شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ، لیزینگ، بیمه و بانک‌ها، از نمونه حذف گردیده‌اند؛ زیرا افشاهای مالی و ساختارهای حاکمیت شرکتی در آن‌ها متفاوت از سایر شرکت‌ها است.
- بعد از اعمال محدودیت‌های فوق، تعداد ۱۲۷ شرکت بورسی (۸۸۹ شرکت-سال) به‌عنوان نمونه، انتخاب شدند.

متغیرها و مدل‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، جهت آزمون فرضیه اصلی مبتنی بر اینکه کیفیت حسابداری رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود را به‌طور معناداری تضعیف می‌کند، الگوی (۱) برآورد می‌گردد.

در این الگو طبق پژوهش‌های ثقفی و همکاران (۱۳۹۳)، نخیلی و همکاران (۲۰۱۶) و آگی و منسا (۲۰۱۹) به بررسی فرضیه اصلی و فرضیه‌های فرعی آن مبتنی بر تأثیر کیفیت حسابداری بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود، پرداخته می‌شود. کیفیت حسابداری (اندازه مؤسسه حسابداری، دوره تصدی حسابرسان و نوع اظهار نظر حسابرسان) به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده و عدم تقارن اطلاعاتی (شکاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام) به‌عنوان متغیر مستقل و مدیریت سود به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است.

الگوی (۱)

$$\begin{aligned}
 DAC_{i,t} = & a_0 + b_1 Sprd_{i,t} + b_2 AudSize_{i,t} + b_3 AudTenure_{i,t} \\
 & + b_4 AuditOpinion_{i,t} + b_5 AudSize_{i,t} * Sprd_{i,t} \\
 & + b_6 AudTenure_{i,t} * Sprd_{i,t} + b_7 AuditOpinion_{i,t} * Sprd_{i,t} \\
 & + \sum_{j=7} b_j Controls_{j,i,t} + e_{i,t}
 \end{aligned}$$

لازم به ذکر است که متغیرهای تعاملی پژوهش حاضر از اثر ترکیبی (حاصل ضرب) متغیرهای کیفیت حسابداری و عدم تقارن اطلاعاتی بدست آمده‌اند. مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری ($DAC_{i,t}$): برای اندازه‌گیری مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی، از ارقام تعهدی اختیاری استفاده می‌شود. کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) و نخیلی و همکاران (۲۰۱۶) برای اندازه‌گیری ارقام تعهدی اختیاری، مدلی را طراحی کردند که همانند مدل تعدیل‌شده جونز بود ولی در آن از نرخ بازده دارایی‌ها نیز استفاده شده بود. آن‌ها در مطالعات خود یافتند که این مدل، نتایج قوی‌تری نسبت به مدل جونز دارد. مدل آن‌ها به صورت زیر بود:

الگوی (۲)

$$\begin{aligned}
 TA_{i,t} / A_{i,t-1} = & a_0 (1 / A_{i,t-1}) + a_1 [(\Delta CA_{i,t} - \Delta CCR_{i,t}) / A_{i,t-1}] \\
 & + a_2 (PPE_{i,t} / A_{i,t-1}) + a_3 (ROA_{i,t-1}) + \varepsilon_{i,t}
 \end{aligned}$$

$TA_{i,t}$ = مجموع ارقام تعهدی شرکت i در سال t که به صورت (سود خالص منهای خالص جریان وجوه نقد عملیاتی) محاسبه می‌شود.
 $A_{i,t-1}$ = کل دارایی‌های شرکت i در ابتدای دوره.
 $\Delta CA_{i,t}$ = تغییر در فروش بین سال t و سال $t-1$ در شرکت i .
 $\Delta CCR_{i,t}$ = تغییر در بدهی‌ها بین سال t و سال $t-1$ در شرکت i .
 $PPC_{i,t}$ = ارزش ناخالص دارایی‌های ثابت در سال t در شرکت i .
 $ROA_{i,t-1}$ = نسبت سود خالص شرکت i در سال t به کل دارایی‌های آن در ابتدای دوره.
 $\varepsilon_{i,t}$ = باقیمانده مدل.

تمام متغیرها در مدل با استفاده از دارایی‌های کل در سال $(t-1)$ جهت کاهش ناهمسانی واریانس، استاندارد می‌شوند. برای محاسبه ارقام تعهدی از روش هرایبر و کولینز (۲۰۰۲) استفاده می‌گردد. هرایبر و کولینز (۲۰۰۲) با استفاده از اطلاعات ارقام تعهدی و تغییرات سود، راهبرد جدیدی را مطرح کردند چون آن‌ها معتقدند که محتوای اطلاعاتی سودهای پایدار از سودهای ناپایدار، بیشتر است. ارقام تعهدی غیراختیاری ($NDAC_{i,t}$) با استفاده از مدل مدیریت سود معرفی شده در پژوهش نخیلی و همکاران (۲۰۱۶) به شرح ذیل بدست می‌آید:

الگوی (۳)

$$NDAC_{i,t} / A_{i,t-1} = \tilde{a}_0 (1 / A_{i,t-1}) + \tilde{a}_1 [(ACA_{i,t} - \Delta CCR_{i,t}) / A_{i,t-1}] + \tilde{a}_2 (PPE_{i,t} / A_{i,t-1}) + \tilde{a}_3 (ROA_{i,t-1})$$

اقدام تعهدی اختیاری ($DAC_{i,t}$) شرکت i در سال t به واسطه قدر مطلق تفاوت کل اقدام تعهدی ($TA_{i,t}$) و اقدام تعهدی غیراختیاری ($NDAC_{i,t}$) بدست می‌آید.

الگوی (۳)

$$DAC_{i,t} = TA_{i,t} / A_{i,t-1} - \left[\tilde{a}_0 (1 / A_{i,t-1}) + \tilde{a}_1 [(ACA_{i,t} - \Delta CCR_{i,t}) / A_{i,t-1}] + \tilde{a}_2 (PPE_{i,t} / A_{i,t-1}) + \tilde{a}_3 (ROA_{i,t-1}) \right]$$

شکاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام ($Sprd_{i,t}$): از آنجا که پدیده عدم تقارن اطلاعاتی به‌عنوان یک متغیر پنهان، به‌طور مستقیم، قابل مشاهده نیست، لازم است تا بر اساس متغیرهای مرتبط، میزان آن سنجیده شود. با پیروی از فو و همکاران (۲۰۱۲) و خواجه‌وی و عزیزاده طلائی (۱۳۹۳) برای سنجش عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران، از مدل معرفی شده توسط ونکاتش و چیانگ (۱۹۸۶) استفاده می‌شود. در مدل ونکاتش و چیانگ (۱۹۸۶) برای اندازه‌گیری عدم تقارن اطلاعاتی از شکاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام ($Sprd_{i,t}$) به شرح الگوی (۵) استفاده شده است. شکاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، به اختلاف بالاترین قیمت پیشنهادی خرید برای هر سهم در یک روز و کمترین قیمت پیشنهادی برای فروش آن سهم در همان روز، اشاره دارد (کیان و همکاران، ۲۰۱۷). از آنجا که در ایران اطلاعات مرتبط با قیمت‌های پیشنهادی افشا نمی‌شود، در پژوهش حاضر از قیمت معامله به جای قیمت پیشنهادی استفاده می‌شود. طبق الگوی (۵) انتظار بر این است که هر اندازه که شکاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام افزایش یابد، عدم تقارن اطلاعاتی نیز افزایش یابد.

الگوی (۵)

$$Sprd_{i,t} = \frac{(Askprice - Bidprice)_{i,t}}{(Askprice + Bidprice)_{i,t}}$$

۲

$Sprd$: شکاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام.

$Askprice$: بالاترین قیمت خرید برای هر سهم در یک روز.

$Bidprice$: کمترین قیمت فروش آن سهم در همان روز.

متغیرهای کنترلی در پژوهش حاضر به ترتیب به شرح ذیل می‌باشند:

بتا ($Beta_{i,t}$): ریسک سامانمند سهام (کولاری و همکاران، ۲۰۱۶؛ سعیدی و افخمی، ۱۳۹۱). برای شرکتی با بتای بالا، انتشار اخبار بد منجر به افزایش ریسک غیرسیستماتیک و در نتیجه، ریسک کل شرکت می‌شود. انتظار بر این است که با افزایش ریسک شرکت، مدیریت از افشای اخبار بد خودداری کند؛ زیرا انتشار این اخبار، می‌تواند وضع شرکت را بدتر از گذشته نشان دهد.

عدم انتشار اخبار بد ممکن است از طریق مدیریت سود رخ دهد.

اندازه شرکت ($Size_{i,t}$): اندازه شرکت، برابر است با ارزش بازار سهام شرکت که از طریق ضرب تعداد سهام منتشره در قیمت بازار سهام به دست می‌آید (نخیلی و همکاران، ۲۰۱۶؛ کیان و همکاران، ۲۰۱۷). از آنجا که ارزش بازار سهام، نسبت به سایر متغیرهای این پژوهش عدد بزرگی است، جهت استفاده در تجزیه و تحلیل داده‌ها از لگاریتم ارزش بازار سهام استفاده می‌شود. اندازه شرکت می‌تواند بر رابطه عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود مؤثر باشد؛ زیرا با بزرگ‌تر شدن شرکت طبق فرضیه سیاسی، هزینه‌های سیاسی شرکت نیز افزایش می‌یابد و به تبع آن، مدیریت بر آن است تا از طریق کاهش سود و عدم افشای کامل اطلاعات، این هزینه‌ها را کاهش دهد.

ارزش بازار به ارزش دفتری ($M/B_{i,t}$): برابر است با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری پایان سال حقوق صاحبان سهام شرکت (کیان و همکاران، ۲۰۱۷؛ فروغی و عباسی، ۱۳۹۰). ارزش بازار از حاصل ضرب آخرین تعداد سهام شرکت در آخرین قیمت هر سهم در پایان سال مالی مورد نظر به دست می‌آید (فروغی و عباسی، ۱۳۹۰). متغیر ارزش بازار به ارزش دفتری نیز می‌تواند بر رابطه عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود مؤثر باشد، زیرا با افزایش این ارزش، توجه سرمایه‌گذاران به شرکت، جلب شده و در نتیجه، انتظارات از مدیریت شرکت نیز افزایش می‌یابد. به همین دلیل، مدیریت ممکن است آن چنان که باید، نتواند این انتظارات را برآورد کند؛ در نتیجه، مدیریت در شرایط عدم تقارن اطلاعاتی، تمایل خواهد داشت تا از طریق حذف نوسانات سود، به این مهم دست یابد.

نوسانات بازده روزانه سهام ($Vola_{i,t}$): برابر است با انحراف استاندارد بازده روزانه هر سهم که برای هر سال، محاسبه می‌شود (کیان و همکاران، ۲۰۱۷؛ رحمانی و همکاران، ۱۳۸۹؛ فروغی و عباسی، ۱۳۹۰). از آنجا که برای اندازه‌گیری عدم تقارن اطلاعاتی از متغیر شکاف پیشنهادی قیمت خرید و فروش سهام استفاده می‌شود، ضروری است که اثر نوسانات بازده روزانه سهام، کنترل شود تا متغیر شکاف تأثیر خود را دقیق‌تر بر مدیریت سود بگذارد.

قیمت سهام ($AvgPrc_{i,t}$): برابر است با میانگین قیمت پایانی سهام در یک سال (کیان و همکاران، ۲۰۱۷). جهت همگن نمودن اطلاعات مرتبط با این متغیر از میانگین قیمت پایانی سهام در یک سال، لگاریتم گرفته می‌شود. از آنجا که برای اندازه‌گیری عدم تقارن اطلاعاتی از متغیر شکاف پیشنهادی قیمت خرید و فروش سهام استفاده می‌شود، ضروری است که اثر قیمت سهام نیز کنترل شود.

با توجه به اینکه در مراحل تحلیل و بررسی نیازمند بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود بوده از این جهت طبق تعدیلی از پژوهش آگی و منسا (۲۰۱۹) به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر اساس سه مؤلفه اندازه مؤسسه حسابرسی، دوره تصدی حسابرِس و نوع اظهارنظر حسابرِس بر مدیریت سود پرداخته شده ولی به منظور جلوگیری از تکرار در بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود با پژوهش‌های متعددی که در این زمینه صورت پذیرفته تنها از نتایج حاصله بر اساس آمار و اطلاعات منطبق با جامعه آماری موضوع این پژوهش

استفاده خواهد شد و از ارائه مدل در این خصوص پرهیز شده است. در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی از سنجه‌های مشاهده‌پذیر زیر استفاده می‌گردد:

اندازه مؤسسه حسابرسی ($AudSize_{i,t}$): مؤسسه‌های بزرگ حسابرسی دارای منابع مالی و انسانی بیشتری هستند که این امر می‌تواند بر صلاحیت حسابرس، مؤثر باشد. از طرف دیگر، به دلیل حجم بالای کار و شهرت خود، نگران از دست دادن صاحبکاران خود نیستند؛ از این رو، از استقلال بیشتری نسبت به سایر مؤسسه‌ها برخوردارند. اندازه مؤسسه حسابرسی، متغیری مجازی است. اگر صورت‌های مالی شرکت توسط سازمان حسابرسی رسیدگی شده باشد، عدد یک و در غیر این صورت، عدد صفر برای این متغیر در نظر گرفته می‌شود (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۰؛ حیدری و همکاران، ۱۳۹۶).

دوره تصدی حسابرس ($AudTenure_{i,t}$): پیچیدگی‌های زیاد در محیط کاری شرکت‌ها موجب شده است تا حسابرس نتواند در مدت زمان کوتاهی با فعالیت‌های شرکت مورد رسیدگی، آشنایی کامل پیدا کند. تداوم انتخاب حسابرس موجب می‌شود تا حسابرس به‌مرور، دانش خاص بیشتری را کسب کند و این موضوع باعث افزایش صلاحیت حرفه‌ای حسابرس و افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود. برای این متغیر، چنانچه حسابرس بیش از ۳ سال حسابرس شرکت صاحبکار بوده باشد عدد ۱ و در غیر این صورت، عدد صفر را اختیار می‌کند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۶). نوع اظهارنظر حسابرس ($AudOpinion_{i,t}$): یکی از معیارهایی که برای کیفیت حسابرسی توسط پژوهشگران معرفی شده است، معیار نوع اظهارنظر حسابرس است. پژوهشگرانی چون هرمانسون و همکاران (۲۰۰۷) و دیلویت (۲۰۱۰) از انتشار گزارش غیرمقبول به عنوان شاخصی برای کیفیت حسابرسی و استقلال حسابرس استفاده کرده‌اند (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۰). این متغیر برای سال‌هایی که شرکت دارای گزارش تعدیل‌شده است عدد ۱ و برای سایر سال‌ها، عدد صفر را اختیار می‌کند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۶).

یافته‌های پژوهش آمار توصیفی

آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مستقل، وابسته، تعدیلگر و کنترلی این پژوهش در جدول (۱) ارائه شده است. با توجه به اطلاعات مندرج در جدول (۱) میانگین و میانۀ متغیر مدیریت سود در شرکت‌های مورد بررسی به ترتیب (۰/۱۲۲) و (۰/۰۹۴) است. از آنجا که مقدار میانگین و میانۀ در این متغیر تقریباً برابر و به ۱۰ درصد نزدیک است، می‌توان ادعا نمود که توزیع آن نرمال است و مدیریت سود بسیار اندکی در شرکت‌های مورد بررسی صورت گرفته است. بیشترین مدیریت سود (۰/۹۴۶) حاکی از آن است که شرکت‌هایی وجود دارند که مدیریت آن در یک سال دست به اقدام مدیریت سود شدیدی زده‌اند. همچنین اختلاف اندک انحراف معیار مدیریت سود (۰/۱۰۹) با میانگین آن، حاکی از تجانس زیاد و پراکندگی کم داده‌های مرتبط با این متغیر است.

کمینه و بیشینه تأخیر واکنش قیمت سهام به ترتیب صفر و (۰/۰۵۲) است. بنابراین، در نمونه مورد بررسی، شکاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، کم است و عدم تقارن اطلاعاتی، اندک است. همچنین، بیشترین انحراف معیار در بین متغیرهای کمی تأثیرگذار بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود، مربوط به ارزش بازار به ارزش دفتری (۳/۴۲۹) است که نشان از پراکندگی شرکت‌های مورد بررسی از این نظر را دارد. همچنین، در بین متغیرهای کیفی، مشاهده می‌شود که ۵۰/۵۲ درصد شرکت - سال‌ها توسط سازمان حسابداری، حسابرسی شده‌اند و در ۵۰/۷ درصد شرکت - سال‌ها، دوره تصدی حسابرس بیش از ۳ سال بوده است. همچنین، مشخص می‌گردد که حسابرس در ۵۹/۵۸ درصد شرکت - سال‌ها گزارش تعدیل شده داده است.

جدول (۱). نتایج آمار توصیفی متغیرها

متغیر	میانگین	میان	انحراف معیار	بیشینه	کمینه
مدیریت سود	۰/۱۲۲	۰/۰۹۴	۰/۱۰۹	۰/۹۴۶	۰/۰۰۱
شکاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش	۰/۰۲۷	۰/۰۲۹	۰/۰۱۲	۰/۰۵۲	۰
اثر تعاملی اندازه مؤسسه حسابداری	۰/۰۱۳	۰/۰۰۱	۰/۰۱۵	۰/۰۵۲	۰
اثر تعاملی دوره تصدی حسابرس	۰/۰۱۵	۰/۰۰۲	۰/۰۱۶	۰/۰۴۸	۰
اثر تعاملی نوع اظهار نظر حسابرس	۰/۰۱۶	۰/۰۱۲	۰/۰۱۶	۰/۰۴۹	۰
بتا	۰/۷۶۴	۰/۷۱۵	۱/۰۲۵	۷/۳۰۴	-۳/۱۶۲
اندازه شرکت	۱۱/۹۷۰	۱۱/۹۱۲	۰/۶۱۳	۱۳/۹۷۵	۱۰/۶۵۳
ارزش بازار به ارزش دفتری	۲/۰۴۴	۱/۲۸۰	۳/۴۲۹	۲۲/۸۴۴	-۱۸/۰۳
نوسانات بازده روزانه سهام	۰/۲۹۶	۰/۱۳۶	۰/۴۳۶	۴/۰۷۸	۰/۰۰۱
قیمت سهام	۳/۵۸۳	۳/۵۳۲	۰/۳۹۲	۴/۷۸۲	۲/۶۹۱
متغیر	فراوانی	درصد فراوانی	بیشینه	کمینه	
اندازه مؤسسه حسابداری	۴۴۹	۵۰/۵۲	۱	۰	
دوره تصدی حسابرس	۴۵۱	۵۰/۷۰	۱	۰	
نوع اظهار نظر حسابرس	۵۳۰	۵۹/۵۸	۱	۰	

(منبع: یافته‌های پژوهش)

آمار استنباطی

آزمون مفروضات کلاسیک رگرسیون

در این پژوهش، از آزمون لوین، لین و چو (۲۰۰۲) جهت بررسی پایایی متغیرهای پژوهش استفاده شده است. نتایج این آزمون طبق جدول (۲) نشان می‌دهد که کلیه متغیرهای مستقل، وابسته، تعدیلگر و کنترلی، به واسطه سطح معناداری کوچک‌تر از ۵ درصد، پایا هستند و استفاده از این متغیرها در مدل‌ها باعث به‌وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود. همچنین، برای بررسی عدم وجود همبستگی خطی بین متغیرهای توضیحی از آزمون عامل تورم واریانس استفاده شده است. بر اساس نتایج این آزمون عامل واریانس‌های مدل‌های پژوهش کمتر از ۵ می‌باشد و مشکل هم‌خطی نیز وجود ندارد. به منظور بررسی نرمال بودن توزیع باقیمانده‌های مدل از آزمون جاک-برا استفاده شد. از آن‌جا که سطح معناداری این آزمون برای مدل پژوهش کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع اجزای اخلاص مدل پژوهش رد می‌شود. اما طبق قضیه حد مرکزی، چنانچه تعداد مشاهدات در نمونه مورد بررسی به میزان کافی زیاد باشد، توزیع داده‌ها به نرمال نزدیک است و حتی اگر جامعه نرمال نباشد، می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد. همچنین، به منظور بررسی ناهمسانی واریانس باقیمانده‌های مدل از آزمون وایت استفاده گردید. نتایج آزمون وایت برای بررسی فرض همسانی واریانس در اجزای اخلاص مدل نیز حاکی از وجود ناهمسانی واریانس در مدل پژوهش است که برای رفع این مشکل، از روش تصحیح وایت استفاده شد.

جدول (۲). نتایج آزمون مانایی تک‌تک متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	آماره	سطح معناداری
مدیریت سود	$DAC_{i,t}$	-۱۲۳/۴۳۲	۰/۰۰۰
شکاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش	$Sprd_{i,t}$	-۶۸/۱۴۱	۰/۰۰۰
اندازه موسسه حسابداری	$AudSize_{i,t}$	-۱۰/۴۵۶	۰/۰۰۰
دوره تصدی حسابر	$AudTenure_{i,t}$	-۲۵/۷۶۵	۰/۰۰۰
نوع اظهارنظر حسابر	$AuditOpinion_{i,t}$	-۱۲/۳۲۱	۰/۰۰۰
اثر تعاملی اندازه موسسه حسابداری	$AudSize_{i,t} * Sprd_{i,t}$	-۳۴/۶۶	۰/۰۰۰
اثر تعاملی دوره تصدی حسابر	$AudTenure_{i,t} * Sprd_{i,t}$	-۳۷/۷۱۲	۰/۰۰۰
اثر تعاملی نوع اظهارنظر حسابر	$AuditOpinion_{i,t} * Sprd_{i,t}$	-۱۹/۱۲۴	۰/۰۰۰
بتا بازار	$Beta_{i,t}$	-۴۳/۱۲۰	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	$Size_{i,t}$	-۱۵/۸۸۸	۰/۰۰۰
ارزش بازار به ارزش دفتری	$MB_{i,t}$	-۱۳/۷۲۱	۰/۰۰۰
نوسانات بازده روزانه سهام	$Vola_{i,t}$	-۱۶/۰۳۵	۰/۰۰۰
قیمت سهام	$AvgPrc_{i,t}$	-۱۲/۷۲۹	۰/۰۰۰

(منبع: یافته‌های پژوهش)

انتخاب نوع الگوی برآورد

از آن‌جا که داده‌های پژوهش حاضر به صورت مقطعی - زمانی می‌باشند، نیاز است که تلفیقی یا تابلویی بودن داده‌ها با استفاده از آزمون چاو (F لیمر) سنجیده شود. با توجه به نتایج به دست آمده که در جدول (۳) ارائه شده است، سطح معناداری در مدل پژوهش برای چاو (F لیمر) عدد صفر است که این مقدار، بیانگر رد فرضیه صفر آزمون (کارایی روش تلفیقی) بوده و حکایت از آن دارد که برای تخمین مدل پژوهش باید از روش داده‌های تابلویی استفاده شود. با توجه به تابلویی بودن مدل، بایستی برای تعیین نوع داده‌های تابلویی (روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی) از آزمون هاسمن استفاده شود. همان‌طور که در جدول (۳) ملاحظه می‌گردد، سطح معناداری آزمون هاسمن، در مدل بیش‌تر از ۵ درصد است که این مقدار، حاکی از برتری روش اثرات تصادفی در مقابل روش اثرات ثابت است. بنابراین، برای برازش داده‌ها از داده‌های تابلویی به روش اثرات تصادفی استفاده می‌شود.

جدول (۳). انتخاب نوع الگوی برآورد

مدل رگرسیون	آزمون	مقدار آماره لیمر	سطح معناداری	نتیجه آزمون
مدل پژوهش	چاو	۳۳۹/۲	۰/۰۰۰	اجرای آزمون هاسمن
	هاسمن	۱۸۲/۱۱	۰/۵۱	مدل اثرات ثابت

(منبع: یافته‌های پژوهش)

نتایج آزمون فرضیه‌ها

آزمون فرضیه اصلی و فرضیه‌های فرعی آن

نتایج تخمین مدل فرضیه اصلی و فرضیه‌های فرعی آن در جدول (۴) ارائه شده است. مقدار آماره F رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵ درصد برای این مدل، دارای اعتبار است. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد تقریباً ۵۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته از طریق مدل رگرسیون، توضیح داده می‌شود. همچنین، نتایج خودهمبستگی جملات خطا با استفاده از آماره دوربین - واتسون برای مدل پژوهش (۱/۸) برازش شده که حاکی از عدم وجود خودهمبستگی در مدل است.

به واسطه آماره (۴/۱۵۶) در سطح اطمینان ۹۹ درصد، مشخص می‌گردد که ارتباط مثبت و معناداری بین شکاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام به‌عنوان شاخصی از عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود، وجود دارد. همچنین، به واسطه آماره‌های (۲/۴۰۸-) و (۲/۰۵۲-) مشخص می‌شود که ارتباط منفی و معناداری بین اندازه مؤسسه حسابرسی و اظهار نظر حسابرسی، با مدیریت سود در سطوح اطمینان ۹۵ درصد، وجود دارد. علاوه بر این مشخص گردید که دوره تصدی حسابرسی با آماره (۳/۴۴۴) در سطح معناداری ۵ درصد، ارتباط مثبت و معناداری با

مدیریت سود دارد.

ارتباط اثر تعاملی اندازه مؤسسه حسابرسی و عدم تقارن اطلاعاتی با مدیریت سود به واسطه آماره (۳/۴۶۵-) و معنادار شدن در سطح اطمینان ۹۵ درصد، تأیید شد. ضرب اندازه مؤسسه حسابرسی در عدم تقارن اطلاعاتی سبب شده است که ضریب عدم تقارن اطلاعاتی از (۰/۶۷۷) به (۰/۲۶۷-) تغییر یابد. به عبارتی، اندازه مؤسسه حسابرسی تأثیر افزایشده عدم تقارن اطلاعاتی بر مدیریت سود را تضعیف می‌کند. بنابراین، فرضیه اصلی مبنی بر تأثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود از جنبه اندازه مؤسسه حسابرسی (فرضیه فرعی ۱) تأیید می‌شود.

اما، ارتباط اثر تعاملی دوره تصدی حسابرس و عدم تقارن اطلاعاتی با مدیریت سود به واسطه عدم معناداری، تأیید نشد. هر چند که ضرب دوره تصدی حسابرس در عدم تقارن اطلاعاتی سبب شده است که ضریب عدم تقارن اطلاعاتی از (۰/۶۷۷) به (۰/۲۱۵) کاهش یابد؛ اما این ارتباط معنادار نشده است. به عبارتی، دوره تصدی حسابرس نمی‌تواند به طور معناداری، رابطه عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، فرضیه اصلی مبنی بر تأثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود از جنبه دوره تصدی حسابرس (فرضیه فرعی ۲) تأیید نمی‌شود.

در نهایت، نتایج حاصل از برازش مدل پژوهش نشان می‌دهد که اثر تعاملی اظهارنظر حسابرس و عدم تقارن اطلاعاتی به واسطه آماره (۲/۰۵۲-) و معنادار شدن در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بر مدیریت سود تأثیر گذار است. ضرب اظهارنظر حسابرس در عدم تقارن اطلاعاتی سبب شده است که ضریب عدم تقارن اطلاعاتی از (۰/۶۷۷) به (۰/۰۴۴-) تغییر یابد. به عبارتی، اظهارنظر تعدیل شده حسابرس، تأثیر افزایشده عدم تقارن اطلاعاتی بر مدیریت سود را تضعیف می‌کند. بنابراین، فرضیه اصلی مبنی بر تأثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود از جنبه اظهارنظر حسابرس (فرضیه فرعی ۳) تأیید می‌شود.

جدول (۴). نتایج مدل پژوهش

نتیجه	سطح معناداری	آماره t	ضریب رگرسیون	نماد	متغیر
-	۰/۰۰۴	۴/۸۵۱	۴/۶۱۳	C	ثابت
معنادار	۰/۰۰۷	۴/۱۵۶	۰/۶۷۷	Sprd _{i,t}	شکاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام
معنادار	۰/۰۳۵	-۲/۴۰۸	-۰/۰۶۰	AudSize _{i,t}	اندازه مؤسسه حسابرسی
معنادار	۰/۰۲۶	۳/۴۴۴	۰/۴۱۰	AudTenure _{i,t}	دوره تصدی حسابرسی
معنادار	۰/۰۴۷	-۲/۰۵۲	-۰/۰۸۰	AuditOpinion _{i,t}	نوع اظهار نظر حسابرسی
معنادار	۰/۰۲۳	-۳/۴۶۵	-۰/۲۶۷	AudSi*Sprd	اثر تعاملی اندازه مؤسسه حسابرسی
غیرمعنادار	۰/۵۸۹	۱/۳۰۳	۰/۲۱۵	AudTe*Sprd	اثر تعاملی دوره تصدی حسابرسی
معنادار	۰/۰۱۳	-۳/۶۳۹	-۰/۰۴۴	AudOp*Sprd	اثر تعاملی نوع اظهار نظر حسابرسی
معنادار	۰/۰۳۴	۲/۵۲۸	۰/۲۶۸	Beta _{i,t}	بتا
معنادار	۰/۰۱۳	۳/۶۰۵	۰/۳۷۴	Size _{i,t}	اندازه شرکت
غیرمعنادار	۰/۹۴۱	۱/۰۴۶	۰/۰۲۲	MB _{i,t}	ارزش بازار به ارزش دفتری
غیرمعنادار	۰/۰۶۵	-۱/۴۳۳	-۰/۱۴۱	Vola _{i,t}	نوسانات بازده روزانه سهام
غیرمعنادار	۰/۵۵۵	-۱/۰۹۸	-۰/۰۲۷	AvgPrc _{i,t}	قیمت سهام
آماره F ۱/۴۶۲			ضریب تعیین ۰/۵۷		
سطح معناداری مدل (۰/۰۰۰)			ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۵۴		
دوربین- واتسون (۱/۸۰۵)					

(منبع: یافته‌های پژوهش)

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در ابتدای امر به منظور بررسی و تحلیل مدل پژوهش و فرضیه اصلی و سه فرضیه فرعی مبنی بر رابطه بین کیفیت حسابرسی با عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود، بر اساس تعدیلی از پژوهش آگی و منسا (۲۰۱۹) رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در قالب سه مؤلفه اندازه مؤسسه حسابرسی، دوره تصدی حسابرسی و اظهار نظر حسابرسی با مدیریت سود، با توجه به داده‌ها و جامعه آماری موضوع این پژوهش پرداخته شده که با توجه به تعدد پژوهش‌های انجام شده در این زمینه از ارائه مدل در این خصوص پرهیز شده و تنها به ارائه نتایج اکتفا گردیده است. نتایج این بررسی نشان داد که مادامی که شرکتی توسط سازمان حسابرسی، بررسی شود و همچنین، اظهار نظر حسابرسی تعدیل شده باشد، می‌توان انتظار کاهش مدیریت سود را داشت؛ اما هنگامی که دوره تصدی حسابرسی بیش از سه سال باشد، انتظار مدیریت سود در شرکت افزایش می‌یابد.

این نتایج حاکی از آن است که بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود، رابطه منفی و

معناداری وجود دارد. ارتباط منفی و معنادار اندازه مؤسسه حسابرسی و اظهار نظر حسابرس با مدیریت سود و ارتباط مثبت و معنادار دوره تصدی حسابرس با مدیریت سود با نتایج پژوهش‌های تندلو و وانسترایلن (۲۰۰۸)، کلینچ و همکاران (۲۰۱۲)، آقایی و ناظمی اردکانی (۱۳۹۰)، علی‌پور و همکاران (۱۳۹۶) و ستایش و صیادی (۱۳۹۶) همسو است. بنابراین، افزایش کیفیت حسابرسی به عنوان یکی از مهمترین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی می‌تواند افزایش مناسب اطلاعات را در برداشته باشد و همین امر موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و به سبب آن کاهش مدیریت سود شود.

سپس با استفاده از تحلیل‌های آماری و بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود، مدل پژوهش در قالب فرضیه اصلی و سه فرضیه فرعی آن، برآزش شد. نتایج، حاکی از آن است که عدم تقارن اطلاعاتی با مدیریت سود، ارتباط مثبت و معناداری دارد. همچنین، در بررسی مدل پژوهش، مشخص شد که ارتباط منفی و معناداری بین اندازه مؤسسه حسابرسی و اظهار نظر حسابرس، با مدیریت سود وجود دارد، در حالی که، که دوره تصدی حسابرسی، ارتباط مثبت و معناداری با مدیریت سود دارد. این نتیجه تا حدودی با یافته‌های پژوهش کلینچ و همکاران (۲۰۱۲) همسو است. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد کیفیت بیشتر حسابرسی (انتخاب حسابرسان بزرگ و متخصص در صنعت) منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود. از آن‌جا که کاهش عدم تقارن اطلاعاتی منجر به کاهش مدیریت سود می‌شود؛ بنابراین، اندازه مؤسسه حسابرسی (انتخاب حسابرسان بزرگ) باعث کاهش مدیریت سود نیز می‌شود. همچنین، نتایج پژوهش آقایی و ناظمی اردکانی (۱۳۹۰) مهر تأییدی بر این یافته است؛ زیرا، آن‌ها معتقدند که کیفیت حسابرسی، مدیریت سود را کاهش می‌دهد. همچنین، ارتباط مثبت و معنادار دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود با نتایج پژوهش علی‌پور و همکاران (۱۳۹۶) همسو است؛ زیرا آن‌ها معتقدند که هر چند دوره تصدی بالای حسابرس باعث افزایش شناخت و تجارب حسابرس می‌شود، ولی به دلیل خدشه‌دار شدن استقلال حسابرس بر اثر روابط طولانی با صاحبکار، انگیزه‌های فرصت‌طلبانه مدیران را برای سرمایه‌گذاری بیش از حد ناشی از مدیریت سود، بیشتر می‌کند. همانطور که یافته‌های پژوهش ستایش و صیادی (۱۳۹۶) حاکی از آن است که استفاده از مؤسسه حسابرسی با کیفیت بالا و با شهرت و تغییر حسابرس، تعارض مربوط به هزینه نمایندگی را کاهش می‌دهد و به عبارتی باعث کاهش مدیریت سود می‌شود.

در ادامه، ارتباط اثر تعاملی اندازه مؤسسه حسابرسی و عدم تقارن اطلاعاتی با مدیریت سود، تأیید شد. اندازه مؤسسه حسابرسی تأثیر افزایشده عدم تقارن اطلاعاتی بر مدیریت سود را تضعیف می‌کند. بنابراین، فرضیه اصلی مبنی بر تأثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود از جنبه اندازه مؤسسه حسابرسی تأیید گردید. همچنین، فرضیه فرعی اول مبنی بر تأثیر اندازه مؤسسه حسابرسی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود تأیید شد. این نتیجه تا حدودی با یافته‌های پژوهش کلینچ و همکاران (۲۰۱۲)، آقایی و ناظمی اردکانی (۱۳۹۰)، علی‌پور و همکاران (۱۳۹۶) و ستایش و صیادی (۱۳۹۶) همسو است.

سپس، ارتباط اثر تعاملی دوره تصدی حسابرس و عدم تقارن اطلاعاتی با مدیریت سود، تأیید نشد. هر چند که ضرب دوره تصدی حسابرس در عدم تقارن اطلاعاتی سبب شد که ضریب عدم تقارن اطلاعاتی کاهش یابد؛ اما این ارتباط معنادار نشد. به عبارتی، دوره تصدی حسابرس نمی‌تواند به طور معناداری، رابطه عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، فرضیه اصلی مبنی بر تأثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود از جنبه دوره تصدی حسابرس تأیید نشد. همچنین، فرضیه فرعی دوم مبنی بر تأثیر دوره تصدی حسابرس بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود تأیید نگردید. این نتیجه تا حدودی با یافته‌های پژوهش کلینچ و همکاران (۲۰۱۲)، آقایی و ناظمی اردکانی (۱۳۹۰)، علی‌پور و همکاران (۱۳۹۶) و ستایش و صیادی (۱۳۹۶) ناهمسو است.

در نهایت، نتایج حاصل از برازش مدل پژوهش نشان داد که اثر تعاملی اظهارنظر حسابرس و عدم تقارن اطلاعاتی بر مدیریت سود تأثیرگذار است. به عبارتی، اظهارنظر تعدیل شده حسابرس، تأثیر افزایش یافته عدم تقارن اطلاعاتی بر مدیریت سود را تضعیف می‌کند. بنابراین، فرضیه اصلی مبنی بر تأثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود از جنبه اظهارنظر حسابرس تأیید گردید. همچنین، فرضیه فرعی سوم مبنی بر تأثیر اظهارنظر حسابرس بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود تأیید می‌شود. این نتیجه تا حدودی با یافته‌های پژوهش کلینچ و همکاران (۲۰۱۲)، آقایی و ناظمی اردکانی (۱۳۹۰)، علی‌پور و همکاران (۱۳۹۶) و ستایش و صیادی (۱۳۹۶) همسو است. طبق نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود:

- اگر افزایش کیفیت حسابرسی و گردش اطلاعات و در نتیجه آن، میزان پایین عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران، بتواند انگیزه‌های مدیران برای مدیریت سود را کاهش دهد، نهادهای قانون‌گذار احتمالاً می‌بایست بیش‌تر بر بهبود کیفیت حسابرسی و تشویق توزیع کارای اطلاعات مرتبط با شرکت در بازار، تمرکز نمایند.
- بر اساس مشخص شدن اهمیت کیفیت حسابرسی، پیشنهاد می‌شود که سازمان بورس اوراق بهادار تهران، شرکت‌ها را ملزم به افزایش کیفیت حسابرسی نمایند.
- با توجه به رابطه عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود به حسابرسان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود که کاهش انگیزه مدیران به مدیریت سود، در جهت کمک به کارایی بازار، در راستای بهبود تقارن اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گام‌های مؤثری بردارند.
- بر مبنای ارتباط منفی و معنادار اندازه مؤسسه حسابرسی و مدیریت سود و تأثیر تضعیف‌کننده اندازه مؤسسه حسابرسی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود، به سازمان بورس پیشنهاد می‌شود که قانون الزام حسابرسی شرکت‌ها توسط سازمان حسابرسی را تصویب و لازم‌الاجرا نماید. همچنین، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود که شرکت‌هایی که توسط مؤسسات حسابرسی بزرگ، حسابرسی می‌شوند توجه بنمایند؛ زیرا کیفیت بالای حسابرسی، مهر تصدیقی بر اعتباردهی بالای صورت‌های مالی است.

- همچنین، با در نظر گرفتن ارتباط منفی و معنادار اظهارنظر حسابرس و مدیریت سود و تأثیر تضعیف‌کننده اظهارنظر حسابرس بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود، به حسابرسان پیشنهاد می‌شود که با حفظ استقلال و اظهارنظرهای تعدیل شده و بدون تعصب، کیفیت حسابرسی و به تبع آن، کیفیت سود شرکت‌ها را افزایش دهند.
- با توجه به رابطه مثبت و معنادار دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود به سازمان بورس پیشنهاد می‌شود که قانون الزام چرخش حسابرسی شرکت‌ها بعد از سه سال را تصویب و لازم‌الاجرا نماید.

پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی، تأثیر سایر ویژگی‌های کیفیت حسابرسی همانند تخصص حسابرس در صنعت، حق‌الزحمه حسابرسی و ساعت کار حسابرسی و همچنین تأثیر سایر ویژگی‌های ساختار حاکمیت شرکتی همچون کمیته حسابرسی و حسابرسی داخلی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود، بررسی شود. مهم‌ترین محدودیت تحقیقاتی که بر پایه آمار استنباطی انجام می‌شود، در خصوص تعمیم نتایج آن به سایر شرایط و دوره‌ها است. این امکان وجود دارد که روابطی که در پژوهش حاضر، ثابت شده‌اند، در دوره‌ها و یا شرایط متفاوت از شرایط این پژوهش، برقرار نباشند. بنابراین، باید در تعمیم نتایج این تحقیق، احتیاط لازم به عمل آید.

فهرست منابع

الف- منابع فارسی:

۱. احمدپور، احمد، عدیلی، مجتبی، ابراهیمیان، سید جواد، (۱۳۹۲). بررسی رابطه میان عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت واقعی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، (۴)۵، ۱-۱۲.
۲. اعتمادی، حسین، آذر، عادل، ناظمی‌اردکانی، مهدی، (۱۳۹۱). بررسی نقش تخصص حسابرس در صنعت بر مدیریت واقعی سود و عملکرد عملیاتی آتی، مجله علمی-پژوهشی دانش حسابداری، (۱۱)، ۹-۲۸.
۳. آقای، محمدعلی، احمدیان، وحید، سفیدگران، میرسعید، (۱۳۹۶). تأثیر پیچیدگی و پویایی محیطی بر رابطه مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی. دانش حسابداری مالی، (۴)۴، ۱-۲۳.
۴. آقای، محمدعلی، ناظمی‌اردکانی، مهدی، (۱۳۹۱). تخصص حسابرس در صنعت و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری. دانش حسابرسی، (۴۶)۱۲، ۴-۱۷.
۵. باباجانی، جعفر، تحریری، آرش، ثقفی، علی، بدری، احمد، (۱۳۹۳). رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود. پیشرفت‌های حسابداری، (۲)۶، ۱-۲۶.
۶. ترحمی، حسین، (۱۳۹۲). تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی و اقلام تعهدی بر سودآوری، پژوهش‌های حسابداری و مالی، سال پنجم، شماره ۱۹.
۷. ثقفی، علی، مرادی جز، محسن، سهرابی، حسینعلی، (۱۳۹۳). رابطه بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی در شرایط نااطمینانی محیطی. مجله علمی-پژوهشی دانش حسابداری، (۱۷)۵، ۷-۲۷.
۸. جامعی، رضا، رستمیان، آزاده، (۱۳۹۵). تأثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی‌های سود پیش‌بینی‌شده، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره (۲۹) ۴، صفحه ۱-۱۷.
۹. حیدری، مهدی، قادری، بهمن، همه‌خانی، سعید، (۱۳۹۶). بررسی نقش میانجی عدم تقارن اطلاعاتی در تبیین رابطه بین کیفیت حسابرسی و سیاست‌های تأمین مالی. راهبرد مدیریت مالی، (۴)۵، ۹۳-۱۲۶.
۱۰. خواجوی، شکراله، علیزاده طلائی، وحید، (۱۳۹۳). بررسی اثرات سطح افشای داوطلبانه بر عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مطالعات تجربی حسابداری مالی، (۴۲)۱۱، ۸۹-۱۱۴.

۱۱. رحمانی، علی، حسینی، سیدعلی، رضاپور، نرگس، (۱۳۸۹). رابطه مالکیت نهادی و نقدشوندگی سهام در ایران. فصلنامه علمی-پژوهشی بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۷(۶۱)، ۳۹-۵۴.
۱۲. رحیمیان، نظام‌الدین، رضاپور، نرگس، اختری، حسین، (۱۳۹۰). نقش مالکان نهادی در کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه دانش حسابرسی، ۱۱(۴۵)، ۶۸-۸۱.
۱۳. ستایش، محمدحسین، صیادی، لیدا، (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین جریان‌های نقد آزاد مازاد و مدیریت سود با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی کیفیت حسابرسی (شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران). پیشرفت‌های حسابداری، ۹(۱)، ۶۷-۹۷.
۱۴. سعیدی، علی، افخمی، عادل، (۱۳۹۱). بررسی رابطه ریسک، بازده و نقدشوندگی با سهام شناور آزاد در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات مالی، ۱۴(۲)، ۶۵-۸۰.
۱۵. علی‌پور، صفدر. امیری، اسماعیل. همتی، حسن، (۱۳۹۶). تأثیر شاخص‌های کیفیت حسابرسی بر ارتباط بین دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد. دانش حسابرسی. ۱۷(۶۸): ۱۶۹-۱۹۱.
۱۶. فخاری، حسین، محمدی، جواد، (۱۳۹۵). بررسی اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق ارقام واقعی، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۲(۴۶)، ۱۳۰-۱۵۴.
۱۷. فروغی، داریوش، عباسی، جواد، (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر اعمال محافظه‌کاری حسابداری. دانش حسابداری مالی، ۱۱(۱)، ۱۱۴-۱۳۳.
۱۸. مجتهدزاده، ویدا. آقایی، پروین. (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی مستقل از دیدگاه حسابرسان مستقل و استفاده‌کنندگان. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۱(۴)، ۱۱-۳۱.
۱۹. مرادزاده فرد، مهدی، ناظمی اردکانی، مهدی، غلامی، رضا، فرزانی، حجت‌اله، (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین مالکیت نهادی سهام و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۶(۲)، ۸۵-۹۸.
۲۰. مقدم، عبدالکریم. حلاج، محمد. شریفی، احمد، (۱۳۹۴). تأثیر عدم‌تقارن اطلاعاتی بر رابطه کیفیت سود و هزینه سهام عادی: بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۷(۴)، ۵۷-۷۲.
۲۱. نمازی، محمد، کرمانی، احسان، (۱۳۸۷). تأثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی-پژوهشی بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۵(۴)، ۸۳-۱۰۰.

ب- منابع انگلیسی:

1. Agyei-Mensah, B. K., & Yeboah, M. (2019). Effective audit committee, audit quality and earnings management: evidence from the Ghana Stock Exchange. *International Journal of Managerial and Financial Accounting*, 11(2), 93-112.
2. Becker, C.L., DeFond, M.L., Jiambalvo, J., & Subramanyam, K.R. (1998). The Effect of Audit Quality on Earning Management. *Contemporary Accounting Research*, Vol. 15, pp 1-24.
3. Bergh, D. D., Ketchen Jr, D. J., Orlandi, I., Heugens, P. P., & Boyd, B. K. (2019). Information asymmetry in management research: Past accomplishments and future opportunities. *Journal of Management*, 45(1), 122-158.
4. Chen H., Chen J.Z., Lobo, G.J., & Wang Y. (2011). Effects of Audit Quality on Earnings Management and Cost of Equity Capital: Evidence from China. *Contemporary Accounting Research*, Vol 28, Issue 3: 892-925.
5. Cheng, C. H. (2006). Information asymmetry and earnings management in Taiwanese Tech industry. Retrieved from www.knjc.edu.tw.
6. Clarkson, G., Jacobsen, T. E., & Batcheller, A. L. (2007). Information asymmetry & information sharing. *Government Information Quarterly*. 24(4), 827-39.
7. Clinch, G., Stokes, D., & Zhu, T. (2012). Audit quality and information asymmetry between traders. *Accounting & Finance*, 52(3), 743-765.
8. Cormier, D., Sylvain, H., Marie, L. (2018). The incidence of earnings management on

- information asymmetry in a certain environment: Some Canadian evidence. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 22(1), 26–38.
9. Dai, Y., Kong, D., and Wang, L., (2013), Information asymmetry, mutual funds and earnings management: Evidence from China, *China Journal of Accounting Research*, 6: 187–209.
 10. DeAngelo, L. E. (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of accounting and economics*, 3(3), 183-199.
 11. DeFond, M., & Zhang, J. (2014). A review of archival auditing research. *Journal of Accounting and Economics*, 58(2–3), 275–326.
 12. DeFond, M., J. Francis and T. Wong. (2000). “Audit industry specialization and market segmentation by big 6 and non-big 6 accounting firms”. *Auditing, A Journal of Practice and Theory*, Vol. 19 No.1, pp. 49-66.
 13. Deloitte LLP. (2010). *Advancing Quality Through Transparency*, Deloitte LLP Inaugural Report January.
 14. Frankel, R. & Li, X. (2004). Characteristics of a firm's information environment & the information asymmetry between insiders & outsiders. *Journal of Accounting & Economics*. 37,229-259.
 15. Fu, R., Kraft, A., & Zhang, H. (2012). Financial reporting frequency, information asymmetry, and the cost of equity. *Journal of Accounting and Economics*, 54(2-3), 132-149.
 16. Hermanson, D. R., Houston R. W., and Rice J. C. (2007). PCAOB inspections of smaller CPA firms: Initial evidence from inspection reports, *Journal of Accounting Horizons*. 21(2), 137-152.
 17. Hribar, P., & Collins, D. W. (2002). Errors in estimating accruals: Implications for empirical research. *Journal of Accounting research*, 40(1), 105-134.
 18. Jones, S. And Sharma, R. (2001). The Impact Of Free Cash Flow, Financial Leverage And Accounting Regulation On Earnings Management In Australia s “Old” And “New” Economics. *Mangerial Finance*, Vol. 27, No. 12, PP. 19-38.
 19. Kang, P., Palman, D., & Sudit, E. (2009). Firms’ information environment and earnings management. Working Paper, Rutgers University. Retrieved from www.ssrn.com.
 20. Kolari, J. W., Liu, W., & Pynnonen, S. (2016). CAPM: A Covariance Adjustment Approach for Estimating Market Beta. Available at SSRN 2746180.
 21. Kothari, S. P., Leone, A. J., & Wasley, C. E. (2005). Performance matched discretionary accrual measures. *Journal of accounting and economics*, 39(1), 163-197.
 22. Liu, M. (2019). Real and accrual-based earnings management in the pre-and post-engagement partner signature requirement periods in the United Kingdom. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 1-29.
 23. Ming, L., (2007), "Corporate Governance, Auditor Choice and Auditor Switch Evidence from China", A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy, Hong Kong Baptist University.
 24. Myers, J. N. Myers, L.A & Omer, T.C. (2003). “Exploring the Term of the Auditor-Client Relationship and the Quality of Earnings: A Case for Mandatory Auditor Rotation. *Accounting Review*. Vol78.779-800.
 25. Nekhili, M., Amar, I. F. B., Chtioui, T., & Lakhal, F. (2016). Free cash flow and earnings management: The moderating role of governance and ownership. *Journal of Applied Business Research*, 32(1), 255.
 26. Qian, M., Sun, P.-W., & Yu, B. (2017). High turnover with high price delay? Dissecting the puzzling phenomenon for China's A-shares. *Finance Research Letters*. 22, 105-113.
 27. Rahahleh, M. H., & Hamzah, A. H. B. (2019). An Investigation of Audit Committee Characteristics on Audit Quality towards the Changes on Real Earnings Management: Evidence from Jordan. *International Journal Of Academic Research In Business And Social Sciences*, 9(10), 20-41.

28. Richardson, V. J. (2000). Information asymmetry and Earnings management. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 15, 325-247.
29. Sitanggang, R. P., Karbhari, Y., Matemilola, B. T., & Ariff, M. (2019). Audit quality and real earnings management: evidence from the UK manufacturing sector. *International Journal of Managerial Finance*.
30. Tendello, B. and Vanstraelen, A., (2008), "Earnings Management and Audit Quality in Europe: from the Private Client Segment", *European Accounting Review*, Vol. 17, No. 3, PP. 447-469.
31. Van Caneghem, T., (2004), "The impact of audit quality on earnings rounding-up-behaviour: Some UK evidence"
32. Venkatesh, P. & Chiang, C. (1986). Information Asymmetry and the Dealer's Bid-Ask Spread: A Case Study Of Earnings An Dividend Announcements. *The Journal Of Finance*, 41(5), 1089-1120.
33. Wasan, S. & Boone, P. (2010). Do Accruals Exacerbate Information Asymmetry in the Market?. *Advances in Accounting*, 26(1): 66-78.
34. Zengin, Yasemin. Serdar, Ozkan. (2010). "audit quality and earnings management in Amihud, Y. (2014). Illiquidity and stock returns: cross-section and time series effects. *J Financ Markets* 5:31-56.

